

الکترونیکی می‌شود و احتمالاً در دور بعدی مذاکرات شامل سرمایه‌گذاری و متقاعدسازی دولتها در خصوص سیاستهای رقابتی باشد. تغییر در مقررات عمدتاً از طریق مذاکرات چندجانبه‌ای که (دورها) نامیده می‌شوند اعمال می‌گردد. هر دور یک سری روشهای جدید را برای انجام مذاکرات تجاری ارائه می‌کند به طوری که موضوعات زیادی به همراه روابط متقابل بین آنها همزمان مورد بحث قرار می‌گیرد و در حد فاصل دورها مذاکرات بر موضوعات خاصی متمرکز می‌گردد.

در حال حاضر WTO دارای ۱۳۲ عضو می‌باشد در حالی که عضویت ۳۱ کشور دیگر در دست بررسی است. از ۱۳۲ عضو ۹۸ عضو آن کشورهای در حال توسعه می‌باشند که در این گروه ۲۷ کشور کمتر توسعه یافته قرار دارند.

یکی از رایج‌ترین معیارهای سنجش میزان موفقیت WTO حجم تجارت جهانی است. به نظر می‌رسد نتایج حاصله در این زمینه بسیار مناسب باشند. زیرا ظرف چهار سال اخیر حجم تجارت جهانی ۲۵٪ افزایش یافته است. اما تعداد کثیری از فواید این افزایش تجارت بهره‌مند نشده‌اند. برای مثال کشورهای کمتر توسعه یافته یا LDCها با دارا بودن ۲۰٪ جمعیت جهان فقط در ۰/۳ درصد جریانات تجاری مشارکت داشته‌اند. اگر چه WTO ظاهراً به عنوان موسسه‌ای دموکراتیک مطرح است اما توسط کشورهای صنعتی و شرکتهای این کشورها اداره می‌گردد و منطق تجارت سودآور بر آن حاکم است. اهداف توسعه‌ای که ابتدا سبب تاسیس گات شد با این فرض اشتباه که گات پاسخگوی نیازها بلحاظ گسترش تجارت نیست کنار گذاشته شد. کشورهای در حال توسعه به دلایل زیر در چارچوب WTO از قدرت اندکی برخوردار هستند.

۱- اگر چه کشورهای در حال توسعه بیش از سه چهارم اعضای WTO را تشکیل می‌دهند و از لحاظ تنوری با رای خود می‌توانند برنامه‌ها و نتایج مذاکرات سازمان را تحت تاثیر قرار دهند اما آنها هیچ‌گاه از این مزیت استفاده نمی‌کنند. اقتصاد اکثر

نکات کلیدی: برنامه WTO اجرای توافقنامه‌هایش و تمجید بیش از حد از آنهاست. حتی اگر تمامی سیستمهای وضع شده در جهت پیشبرد منافع کشورهای در حال توسعه نباشد و به مسائل جانبی ناشی از اجرای این توافقنامه‌ها توجه نمی‌کند. کشورهای کمتر توسعه یافته (IDS) در سیستم تجارت جهانی در حاشیه قرار دارند و صدور محصولاتشان با موانع شدید تعرفه‌ای مواجه است. یکسان‌سازی مقررات که برای اعضای WTO اجرا می‌گردد باعث ایجاد نابرابری است زیرا اعضا دارای شرایط اقتصادی متفاوتی هستند.

سازمان تجارت جهانی در سال ۱۹۹۵ جایگزین توافقنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) گردید. در مقایسه با گات؛ سازمان تجارت جهانی به لحاظ دارا بودن نهادهای بین‌المللی و سیستم جنجالی تصفیه از قدرت بالایی برخوردار است. کشورهایی که با اعمال خود مقررات تجاری را نقض کنند محاکمه می‌شوند و نهایتاً با مقابله به مثل روبرو می‌گردند.

کشورهای بنیان‌گذار گات در سال ۱۹۴۷ متعهد شده بودند که «مقررات اقتصادی و

تجاری بایستی در جهت افزایش استانداردهای زندگی؛ تامین اشتغال کامل و دستیابی به سطح بالایی از درآمد واقعی و رشد مداوم آن تلاش کنند» این موارد در توافقنامه

مراکش که منجر به تاسیس WTO شد مورد تاکید قرار گرفتند. از لحاظ تاریخی گات مراحل را جهت کاهش تعرفه در سرتاسر

جهان اعمال نمود. تا این که در دور اروگوئه که در سال ۱۹۹۴ مذاکرات تجاری بر کالاهای غیرکشاورزی متمرکز شد زیرا ایالات متحده آمریکا می‌خواست از بخش کشاورزی خود حمایت کند.

با گذشت زمان در اثر افزایش منافع شرکتهای کشورهای توسعه یافته؛ این کشورها از گسترش حوزه عملیات WTO به سایر زمینه‌ها حمایت کرده‌اند. برنامه‌های WTO در حال حاضر شامل بخش کشاورزی، خدمات و مالی، مخابرات، تکنولوژی اطلاعات و...، ضوابط مربوط، دارائیهای معنوی، تجارت

## سازمان جهانی تجارت

و

## کشورهای در حال توسعه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

\* ترجمه علی اصغر عباسی \*

حال سبب خواهد شد شرکت‌های کشورهای شمال دسترسی بیشتری به منابع کشورهای جنوب پیدا کنند بدین طریق باعث تضعیف اقتصادهای داخلی در کشورهای در حال توسعه می‌شوند. تاثیر ایالات متحده آمریکا بر WTO غالباً به شکل تسلط این کشور بر سازمان تجارت جهانی است و به جای اینکه به صورتی مسئولیت‌پذیر آنرا رهبری کند، به جای ترویج و حمایت از اهدافی که به نفع تمامی اعضای سازمان می‌باشد ایالات متحده غالباً نگران توسعه بیش از حد بازارهای خود است. به همین دلیل این کشور در سیاست‌گذاریهای داخلی از آن بخش از عملیات آزادسازی شرکتها حمایت می‌کند که نیازهای توسعه‌ای کشورهای فقیر را در حاشیه قرار می‌دهند.

آن طوری که مارتین خود یکی از متفکرین جهان سوم می‌گوید (برنامه آزادسازی ایالات متحده آمریکا به این صورت است که اگر آزادسازی نفعی دارد برای من است؛ حمایت‌گرایی خوب است اگر به نفع من باشد، هر چیزی که منافع تجاری من را تامین کند خوب است.»

نابرابریهای شدیدی درون WTO وجود دارد. صادرات کشورهای در حال توسعه برای دسترسی به بازار با موانع زیادی روبرو می‌باشد مطالعات اخیر سازمان ملل نشان می‌دهد که تعرفه‌های بالا و روبه افزایش هنوز به عنوان مانعی بزرگ در مقابل صادرات کشورهای در حال توسعه وجود دارد و تلاشهای آنها برای صادرات محصولات جدیدی از قبیل گوشت گاو، سیگار، پوشاک، کفش و مصنوعات چوبی ادامه دارد. برای دسترسی کشورهای در حال توسعه به بازار کشورهای توسعه یافته مطابق منافع شرکتهای چندملیتی TNCها عمل می‌شود و به سرعت موافقتنامه‌های جدیدی در بحث مخابرات، تکنولوژی اطلاعات و خدمات مالی بر کشورهای در حال توسعه تحمیل می‌گردد.

مذاکرات دور هزاره جدید (که مطابق جدول زمانبندی از اواخر سال ۱۹۹۹ شروع شد) می‌گوید: آزادسازی اقتصادی در هر دو بخش سنتی و مدرن با قوت بیشتری ادامه خواهد یافت حتی اگر برخلاف منافع کشورهای در حال توسعه باشد. واشنگتن به صورت خلاقانه توافقتنامه‌های WTO را در جهت حمایت از صنایع کلیدی خود تفسیر می‌کند. در بخش منسوجات و پوشاک آمریکا به طور گزینشی بازارهایش را باز می‌کند. اما این نوع آزادسازی نفع بسیار کمی برای کشورهای در حال توسعه ندارد. به طور مشابه ایالات متحده از سیاستهای حمایتی دوران انتقال که برای حمایت از صنایع داخلی در مقابل افزایش ناگهانی واردات وضع شده‌اند استفاده می‌نماید. این کشور همچنین قوانین خود را بر کشورهای مبدا تحمیل می‌کند. با استفاده از محاسبات و تفسیرهایی درخصوص موافقتنامه‌های مربوط به محصولات کشاورزی (که تمایل به کاهش حمایت داخلی و گشودن بازارهای خارجی دارد)

ایالات متحده تغییرات بسیار اندکی در سیاستهای خود در جهت پذیرش تعهداتی مطابق توافقتنامه‌ها ایجاد می‌نماید. به این

کشورهای در حال توسعه از یک یا چند طریق در رابطه با موضوعاتی همچون واردات، صادرات، کمکها، مسائل امنیتی و غیره وابسته به ایالات متحده، اتحادیه اروپا یا ژاپن می‌باشند. لذا هر گونه ایجاد اختلال در موافقتنامه‌های WTO ممکن است به تهدیدی علیه وضعیت عمومی اقتصاد و مسائل امنیتی کشورهای در حال توسعه مخالفت‌کننده تبدیل گردد.

۲- مذاکرات تجاری بر مبنای اصل روابط دو طرفه یا موازنه تجاری می‌باشد. بدین معنی که یک کشور با پذیرش موضوعی مثل کاهش تعرفه‌ها برای محصول معینی موافقت می‌کند و در مقابل کشور دیگر اعطای امتیاز ویژه‌ای را می‌پذیرد. این نوع چانه زدن منافع زیاد و متنوعی برای اقتصاد کشورهای عضو دارد زیرا آنها می‌توانند کالاها و خدمات زیادی را با کالاها و خدمات متنوع مبادله کنند. اما در بیشتر موارد مذاکرات و موازنه تجاری بین کشورهای توسعه یافته و تعدادی از کشورهای در حال توسعه ثروتمندتر و یا بزرگتر انجام می‌شود.

۳- کشورهای در حال توسعه منابع انسانی و فنی کمتری در اختیار دارند، این منابع آن قدر نیست که پاسخگوی ۴۰ تا ۵۰ جلسه‌ای که هر هفته در ژنو برگزار می‌گردد، باشد. لذا آنها با حداقل آمادگی در مقایسه با کشورهای توسعه یافته که در طرف مقابل قرار دارد مذاکرات می‌کنند.

۴- کشورهای در حال توسعه دریافته‌اند که جستجوی منافع از طریق سیستم جنجالی مذاکرات WTO هزینه‌بر بوده و مستلزم برخورداری از توجیهات تخصصی بالا می‌باشد که ممکن است آنها فاقد این شرایط باشند. علاوه بر این بر مبنای چنین سیستمی، برخورداری از توجیهات تخصصی بالا می‌باشد که ممکن است آنها فاقد این شرایط باشند. علاوه بر این بر مبنای چنین سیستمی اگر کشوری عملاً مقررات تجارت آزاد را نقض کند تبعات مناسبی برای رفع مشکلات توسعه‌ای آن کشور به دنبال ندارد.

نلسون ماندلا که در دور اروگوئه سخنرانی می‌کرد گفت: «کشورهای در حال توسعه مطمئن نیستند که مقررات WTO با واقعیات اقتصاد آنها سازگاری داشته باشد. زیرا آن ضوابط برای حل مشکلات و گرفتاریهای اقتصادهای صنعتی وضع شده و به شکل موافقتنامه درآمده‌اند» وی در ادامه افزود: «این ضوابط بر یکسان‌سازی مقررات تجاری تاکید می‌کنند که لزوماً روش مناسبی نیست زیرا اعضای WTO دارای وضعیتهای متفاوتی هستند.»

### مشکلات ناشی از سیاستهای جاری ایالات متحده آمریکا

مشکلات اساسی:

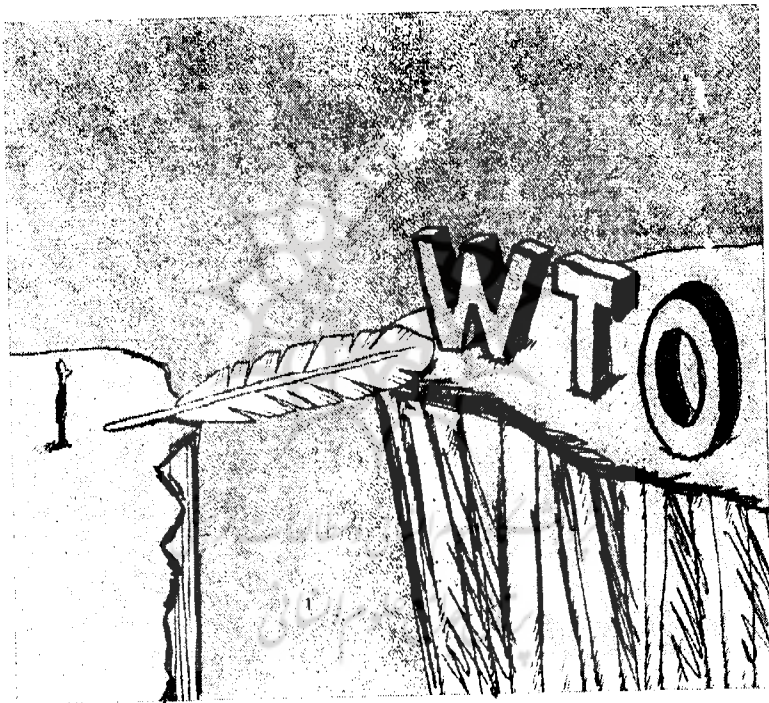
واشنگتن صرفاً به ترویج اصولی از تجارت آزاد می‌پردازد که به نفع اقتصاد ایالات متحده آمریکا باشد و در سایر بخشها مثل بخش منسوجات قویاً حمایتگرا است. سیاستهای اتخاذ شده توسط ایالات متحده در بخش کشاورزی و حق اختراع پاسخگوی نیازهای غذایی جمعیت رو به افزایش جهان نیست. اعطای آزادسازی بیشتر در موضوعات گزینش شده در گذشته و

طریق موافقتنامه‌ها اساساً از اعطای سوبسید به محصولات کشاورزی توسط ایالات متحده حمایت می‌کند و مانع از حمایت کشورهای در حال توسعه از آن بخش از محصولات کشاورزیشان می‌گردد که فاقد مزیت در رابطه با آنها می‌باشند. بر طبق سیاستهای موسوم به (حجمه سبز) سازمان تجارت جهانی؛ درآمد مستقیم حاصل از اعطای سوبسید به صادرکنندگان محصولات کشاورزی بخاطر کاهش تولید محصولات در اثر نامرغوب شدن زمینها و به دلیل استفاده بیش از حد از آنها و ایجاد بعضی اختلالات غیرتجاری از مالیات معاف می‌باشد.

لایحه کشاورزی در سال ۱۹۹۶ پرداختهای مستقیم به کشاورزان امریکا را کاهش داد اما پرداختهای مربوط به سوبسیدهای صادراتی را افزایش داد. لذا نفع خالصی برای صادرکنندگان

محصولات

کشاورزی ایجاد گردید. سیاستهایی که امریکا توسط آنها WTO را رهبری می‌کند پاسخگوی نیازهای غذایی جمعیت روبه رشد جهان نیست. این سیاستها تمامین غذا را از طریق تجارت ترویج می‌کنند و کشورهای دیگر را در جهت توسعه خود اتکایی در تولید مواد غذایی ترغیب نمی‌نمایند. اکثر کشورهای درحال توسعه دچار



کمبود ذخایر ارزی بوده و قادر به خرید مواد غذایی حتی در قیمت‌های پایین و با دسترسی آسان از بازارهای جهانی نیستند. مقررات جدید داشتن اطلاعاتی در زمینه کاشت محصولات کشاورزی و محصولاتی که کارایی پزشکی دارند را مورد توجه قرار می‌دهند. موافقتنامه مربوط به مقررات تجاری داراییهای معنوی (TRIP) شدیداً از حقوق شرکتها حمایت می‌کند. اما به آسانی مشارکت در دانش بومی سایر جوامع که می‌تواند حق اختراعی برای دیگران شود، مجاز می‌شمارد. وقتی به طور کامل این موافقتنامه اجرا شود کشورهای در حال توسعه میلیاردها دلار بابت اجاره آن چیزی که از این کشورها منتقل شده خواهند پرداخت به طوری که TNCها به کنترل مجازی تمامی حقوق اختراع حاصل از کشورهای در حال توسعه ادامه می‌دهند. TRIPها در دولت کلینتون به شدت مورد حمایت بودند و برای

صنایع بیوتکنولوژی ایالات متحده فضایی مطلوب ایجاد نمود. اما بیوتکنولوژی پاسخگوی کمبود مواد غذایی نیست. اصلاح ژنتیکی بذرها و گیاهان (GMO) باعث افزایش هزینه‌های کشاورزان و ترویج تک کشتی شده و نیز سبب انتشار آفات و بیماریها در محصولات گردیده است. در اثر افزایش استفاده از مواد شیمیایی؛ تنوع زیستی و سلامت ژنتیکی گونه‌های گیاهی با خطر روبرو شده است. علاوه بر این ایالات متحده تحقیقات بلندمدتی در مورد اثرات بهداشتی GMOها انجام نداده است و سایر کشورها نیز تا زمانی که مضر بودن این محصولات از نظر علمی تایید نشده قادر به توقف واردات خود نیستند.

به طور خلاصه؛ TRIPها برای امور بهداشتی و پایداری سیستمهای کشاورزی کشورهای در حال توسعه مصیبت بار بوده‌اند. واشنگتن

تسمایل دارد در گفتگوهای دور هزاره طیف گسترده‌ای از موضوعات مختلف را با هدف کمک به توسعه بازارهای محصولات؛ تجارت خدمات و سرمایه‌گذاری آمریکا ارائه نماید. مطرح نمودن برنامه‌های جنجالی در ارتباط با موافقتنامه‌های چندجانبه سرمایه‌گذاری در پی یافتن رفتاری حقوقی و مالی

جهت انجام عملیات شرکتها در تمامی کشورهاست. بعید به نظر می‌رسد که بنگاههای کوچک و متوسط در کشورهای در حال توسعه بتوانند در چنین شرایطی توان رقابت داشته باشند این روند نهایتاً منجر به متلاشی شدن اقتصاد کشورهای کمتر توسعه یافته می‌شود. واشنگتن در سومین کنفرانس وزراء در پی دستیابی به توافق اولیه‌ای درخصوص شفاف‌سازی سیاستهای دولت‌ها بود. چنین موافقتنامه‌ای سرانجام سبب گشایش کامل بازار در کشورهای دیگر شده و یک تریلیون دلار مبادله تجاری برای شرکت‌های خارجی به دنبال دارد. شبیه موافقتنامه‌های تجاری این مورد نیز برای کشورهای در حال توسعه زیان‌آور است زیرا شرکت‌های آنها توان پایداری در محیط به شدت رقابتی را ندارند. تقویت قابلیت‌ها به طور موثری بستگی به حسن توجه ایالات متحده به موضوعاتی خاص دارد. اما واشنگتن ناتوان از درک این

تمامی اعضا بایستی در تصمیم‌گیریهای WTO دخیل باشند این کار نبایستی بر مبنای تقدم تاریخی حضور کشورها در WTO، بلکه برحسب سهم بودن آنها انجام شود (برای مثال در حال حاضر ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا، ژاپن و کانادا بیش از نیمی از تصمیمات را اتخاذ می‌نمایند).

سیستم جنجالی تصفیه بایستی نیازهای توسعه‌ای کشورها (به ویژه کشورهای آسیب‌پذیر) را در نظر بگیرد نه صرفاً به این موضوع که آیا مقررات نقض شده است یا خیر توجه کند. برای مثال مذاکرات اخیر در مورد تجارت موز مقررات WTO در جهت برتری منافع ایالات متحده نسبت به مقررات قدیمی اتحادیه اروپا عمل نمود به طوری که دسترسی اتحادیه اروپا به کشورهای صادرکننده موز در حوزه کارائیب را که اقتصاد آنها انکای زیادی به صادرات موز دارد کاهش داد. مبلغ ۲۸۰ میلیارد دلاری که در کشورهای توسعه یافته به عنوان سوبسید به کشاورزان پرداخت می‌گردد بایستی کاهش یافته و به اندازه مبلغ ناچیزی برسد که در کشورهای در حال توسعه برای این مورد تخصیص می‌یابد. در غیر این صورت کشورهای در حال توسعه بایستی مجاز به افزایش سوبسیدها و تعرفه‌ها برای حمایت از بازارهای خود در مقابل صادرات سوبسید دار کشورهای توسعه یافته باشند. گسترش مزارع کوچک هم در کشورهای در حال توسعه و هم در کشورها توسعه یافته بایستی ترویج شوند نه اینکه همچون کشورهای در حال توسعه در جهت حذف حرکت شود مزارعی که منبع حیاتی برای میلیونها نفر می‌باشند. TRIPها بایستی منسوخ شوند و کنترل داراییهای معنوی بایستی به موسساتی که قبل از دور اروگوئه شکل گرفته‌اند واگذار شوند. بایستی بذر گیاهان و داروها بایستی از ضوابط TRIP معاف شوند با این هدف که از مراقبتهای اساسی بهداشتی برخوردار بوده و از سیستمهای کشاورزی کشورهای در حال توسعه محافظت شود. در حال حاضر TRIPها به آسانی اصول مربوط به کنوانسیون تنوع زیستی را نقض می‌کنند.

کشورهای توسعه یافته بایستی تعرفه‌های سنگین خود را برای محصولات که منابع کشورهای در حال توسعه را تامین می‌کند حذف نمایند. اگر WTO تمامی کشورها را مجبور به حرکت به سوی آزادسازی اقتصادی نماید بخشهای مورد حمایت در ایالات متحده آمریکا نیز بایستی مشمول این آزادسازی بشوند تا بازارهای جدیدی بر روی صادرات کشورهای در حال توسعه گشوده شود.

WTO بایستی نشستهایی با نمایندگیهای UN برگزار کند و از استانداردهای بین‌المللی تجارتی استفاده نماید. آزمون نهایی برای سنجش میزان موفقیت WTO نبایستی بر مبنای افزایش حجم تجارت جهانی یا کاستن از موانع تجارتی انجام بگیرد بلکه بر مبنای بهبود شرایط زندگی در کشورهای مختلف و به ویژه در کشورهای در حال توسعه که سه چهارم اعضای WTO را تشکیل می‌دهند، سنجیده شود.

\* رئیس اداره تحقیقات و آموزش تعاون کردستان

موضوع است که اینگونه سیاستهای آزادسازی غالباً به ترویج یک نوع توسعه پایدار در صحنه بین‌الملل به معنی واقعی آن منجر نمی‌شود.

## حرکت به سوی یک سیاست خارجی جدید

توصیه‌های کلیدی

WTO بایستی مهمترین اولویتهای خود را بر مبنای نیازهای توسعه‌ای اعضا تعریف کند.

بخشهایی از توافقنامه‌ها مثلاً در ارتباط با کشاورزی، TRIPها، منسوجات و سیستم جنجالی تصفیه که برای کشورهای در حال توسعه زیان‌آور هستند بایستی تغییر یابند.

تسلط ایالات متحده آمریکا بر WTO بایستی پایان یابد؛ تصمیم‌گیری بایستی به صورت دموکراتیک انجام شود و به هر دولت بایستی به طور مرتب در ارتباط با توسعه آن کشور بر مبنای معیارهای تجارتی مشاوره داده شود.

ایجاد تغییرات برای کشوری که به کسب ثروت از طریق تجارت جهت دستیابی به توسعه همه جانبه چشم دوخته امری لازم است. امری که سبب ارتقاء استانداردهای زندگی در کشورهای فقیر شده و توسعه پایدار و بلندمدت منابع را تضمین می‌کند. WTO بایستی بر خود انکایی بیشتر در اقتصاد ملی و منطقه‌ای تاکید کند. بازارهای داخلی در مقایسه با بازارهای خارجی بایستی به عنوان محرکهای اصلی رشد محسوب شوند. منابع بایستی به طور پایدار برای حمایت از جوامع داخلی و خارجی مورد استفاده قرار بگیرد مردم و حفاظت از محیط زیست بایستی در مقایسه با سرمایه به عنوان اهداف اصلی جهت هرگونه توسعه در تجارت جهانی مدنظر قرار بگیرند. کشورهایی که تمایل به سرمایه‌گذاری در خارج دارند بایستی در رابطه با انتخاب نوع سرمایه‌گذاری آزاد باشند. آنها همچنین بایستی قادر به تصمیم‌گیری در مورد نرخهای تعرفه و سایر موانع تجارتی به منظور حمایت از صنایع خود باشند به همان شکلی که کشورهای توسعه یافته عمل می‌کنند. ایالات متحده بایستی از نفوذ خود در جهت تبدیل WTO به نهادی دموکراتیک که تامین کننده زمینه لازم برای ایجاد تنوع در منافع اقتصادی کشورها استفاده نماید. دولتها بایستی به طور منظم با شهروندان و قانونگذاران خود به ویژه در فرایند مذاکرات تجارتی مشورت نمایند. مقامات ایالات متحده بایستی تلاش کنند اسناد و یادداشت تفاهات مورد عمل مربوط به WTO را به صورت واقعی در دسترس مردم قرار دهند. مکانیزمهایی بایستی ایجاد شوند که نهایتاً گروههای اجتماعی سازماندهی شده بتوانند در نشستهای مربوط به فرایندهای قانونگذاری WTO حضور یابند به عنوان مثال بتوانند در مذاکرات سیستم جنجالی تصفیه مداخله کنند.

تمامی اعضا بایستی به تخصصهای فنی و منابع انسانی کارآمد برای شرکت موثر در مذاکرات چندجانبه مجهز شوند. آزادسازی به شکل شتابان آن بایستی متوقف شود. به جای آن تغییرات بایستی در جهت حذف مقرراتی که برای کشورهای در حال توسعه زیان‌آور است انجام بگیرد.